

تقابل دین و دنیا

(نقش نگرشهای دینی بر فعالیتهای اقتصادی)

رضه رونقی

www.ketab.ir

سرشناسه	رونقی، مرضیه، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	تقابل دین و دنیا/مرضیه رونقی
مشخصات نشر	تربت حیدریه: چشم انداز قلم، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۹۴ ص
شابک	۸۰۰۰۰ ریال ۶-۴۳-۸۱۵۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه - ص ۳۹
موضوع	اقتصاد -- جنبه های مذهبی
موضوع	دنیوی گرایبی
موضوع	تذکر دینی
رده بندی کنگره	۷۱۳۹۵۷۲HB ت ۹/۱
رده بندی شصت و سه	۸۵/۲۶۱
سازمان بین المللی ملی	۴۲۰۳۴۹۱

تقابل دین و دنیا		 شماره مجلد ۱۳۹۵ انتشارات چشم انداز قلم	
نویسنده: مرضیه رونقی ناشر: انتشارات چشم انداز قلم تیراژ: ۲۰۰۰ نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: ۱۳۹۵ چاپ و یونا قطع: رقعی تعداد صفحات: ۹۴ قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال شابک:			
۹۷۸	۶۰۰	۸۱۵۳	۴۳ ۶
آدرس: تربت حیدریه، رازی، نش رازی ۳ تلفن: ۰۹۳۷۸۰۷۶۲۲۷-۰۹۳۷۸۵۱۶-۰۹۱۵۳۳۲۸۵۱۶			

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۶	بیان مسأله
۸	هدف
۹	اهمیت و ضرورت
۱۰	مفهوم نگرش
۱۳	تعریف دین
۱۶	مفهوم دین
۲۲	ساختار دین متغیر نگرش دینی
۲۶	بازر و بازار دین
۲۸	مفهوم سب و کار
۲۹	مفهوم سود دین
۲۹	دین و کارکردها، آن
۴۹	جامعه شناسی دین
۵۶	جامعه شناسی اقتصادی
۶۳	رابطه ی دین و اقتصاد
۶۳	کارل ماکس
۶۷	ماکس وبر
۷۸	نتایج حاصل
۸۴	منابع

پیشگفتار

نگارش این نوشته را می توان مدخلی به تشریح اهمیت دین در ابعاد مختلف زندگی دانست و بر خلاف اعتقاد به این که دین در عرصه اخروی و توجه به معاد و اصلاح آخرت فرد تجلی می یابد، نشان دین را در عرصه های دنیوی و زندگی اجتماعی بررسی می کند. دین و دنیا به عنوان دو حوزه مستقل از هم نیستند بلکه باید آن ها را در مرحله به هم پیوسته از یک حقیقت دانست و طبیعی است که نمی توان دنیا را خارج از قلمرو دین و یا سعادت اخروی را بدون طی مراتب و کسب کمالات در این دنیا با عمل به ارزش های دینی تصور کرد. باید پذیرفت هرچند هدف غایی دین تامین سعادت اخروی انسان است ولی نمی توان امور دنیوی را نادیده گرفت و تفکیک بین آن ها را پذیرفت. طبیعی است از دیدگاه اسلام به عنوان یک دین الهی و همه جانبه همان گونه که وجود آخرت ضروری و انکارناپذیر است، اصل ارتباط دین و دنیا نیز تردیدناپذیر است.

از سوی دیگر از آنجایی که ما در عصری زندگی می کنیم که حفظ ارزش های دینی و عمل مبتنی بر این ارزش ها چندان آسان نیست، باید کوشید تا راههای اضمحلال ارزش های دینی را مسدود و از بین برد و برای چنین کاری ابتدا باید شناخت پیدا کرد، شناخت نسبت به نگرش های دینی سیاسی، اقتصادی، خانوادگی... که در صدد حفظ یا تغییر آنها هستیم، نگرش هایی

که مبنای عمل ما قرار می گیرند. اکنون که در قرن بیست و یکم قرار گرفته ایم، عصری که پست مدرنیسم خوانده می شود، باید قدرت تطبیق ارزش های عقیدتی و سنتی خود را با توسعه و رشد اقتصادی داشته باشیم و این ممکن نمی آید مگر با پی بردن به جایگاه و اهمیت ارزشهای خودی، دینی و سنتی.

این نگارش رویکردی است در جهت پی بردن به ارزشهای متعالی که در فعالیتهای اقتصادی نسل جوان و تازه کار بازاری کم رنگ بسته اند. در بیم آن می رود که با کنار رفتن نسل پیشین معتقد و پوی به دنبال ارسال و منش دینی و ایرانی، اهداف صرف مادی به بهای از دست دادن ارزش های معنوی، عامل مسلط در عملکرد اقتصادی و راه اندازی گردند.

باشد که دین پژوهی و متخصصین امور با برنامه ریزی های صحیح و قابل پذیرش در سدد درونی کردن ارزشهای متعالی اقتصاد مبتنی بر ارزشهای دینی، که شش فراگیر و جامع را دنبال کنند.

مقدمه :

امروزه دیگر در تعریف انسان علاوه بر «ناطق بودن»، «ابزار ساز بودن» یا «راست قامت بودن» به «دین ورز بودن» او نیز توجه می شود چرا که تاریخ جوامع بیانگر همراهی همیشگی دین با انسان است. حتی در جهان امروز علی رغم پیش بینی هایی که در زمینه محو دین از جوامع بشری به تناسب درجه پیچیدگی شده است، هنوز دین به عنوان اثر گذار ترین نهادهای اجتماعی در جوامع بشری از حیث برخوردار است. در تاریخ تمدن بشری نمی توان فرهنگی را بدون دین یافت. به عبارت دیگر هیچ اجتماع بشری نیست که نوعی از دین در آن نباشد و از آن تاثیر نپذیرفته باشد.

حتی می توان تفاوت فرهنگی را در جوامع مختلف که نگرش ها و ارزش ها و انگیزه های حسی را در جوامع آورده، ناشی از تفاوت نگرش های دینی آنها دانست. انگیزه هایی که مردم را به کار و می دارد. نگرش آنها به دنیا و میزان همیتی که امور دنیوی می تواند داشته باشد، منش سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اجتماعی همه ناشی از باور داشتهایی است که دین به افراد یک جامعه داده است.

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان تحولات فرهنگی و نگرشی که در غرب بوجود آمد زمینه های تسهیل حرکت انقلاب صنعتی را فراهم ساخت. اعتقاد ما بر اینست که در هر جامعه ای تحول مستلزم دگرگونی نگرش ها است و ساختار فرهنگی در هر جامعه

ای فقط آن چیزی نیست که از پیشینیان به ارث رسیده باشد بلکه جهان بینی ها و ساختار ایدئولوژیکی در هر نسلی عمیقاً از تجاربی که در زندگی بدان دست می یابند متأثر است و چه بسا این تجارب ارزش هایی را مطرح و بوجود آورد که اساساً با تجارب نسل پیشین متفاوت باشد. حال «تحلیل ساختار درونی می تواند شواهدی از ساخت طبقاتی، شیوه تولید و ساختار ایدئولوژیکی من جمله مذهب، اخلاقیات و ارزشها در اختیار ما قرار دهد» (توسلی، ۱۳۷۱، ص ۱۸).

منظور ما در این بررسی، ارزیابی سهمی است که نگرش های مذهبی می توانند بر نحوه عملکرد اقتصادی داشته باشد. مسلم است که بارهای دینی بر افکار و طریق عملکرد انسان اثر می گذارد همچنین از نظر ما مسلم است که موقعیت های اقتصادی که افراد در آن قرار می گیرند نگرش های دینی آنها را متأثر می سازد ولی اندیشه اصلی ما اینست که تاثیر گذاری شرایط اقتصادی بر شیوه عملکرد و نگرش های دینی نیز می بایست بواسطه توجیهات دینی صورت بگیرد. به این معنا که در جامعه ای مثل جامعه ما اگر قرار است قانونی وضع شود باید معیارهای دینی در آن لحاظ گردد، اگر عملکرد سیاسی یا اقتصادی خاصی در شرف شکل گیری است باید توجیهات دینی آن را تایید کرده باشد. به عنوان مثال در هیچ کدام از ادیان الهی سرمایه داری یا تجمع سرمایه های هنگفت ملی که موجب فقر طبقات دیگر می شود، انحصار مواهب و فرصت های اجتماعی به گروهی خاص و

بالاخره وجود تبعیضات قشری و گروهی مورد تأیید واقع نشده است. حال اگر قرار است فعالیت های اقتصادی گسترده توسط اشخاصی (طبعاً سرمایه دار) در جامعه به وقوع پیوندد (فعالیت بخش خصوصی) باید ایدئولوژی خاص به عنوان مجوز چنین عملکردی در جامعه رواج یابد. حتی آنجا که ماکس وبر از تأثیر کونیه در توسعه سرمایه داری صحبت می کند از یک دین جدید با آئینی متناسب رشد سرمایه داری بختی به میان نمی آید بلکه ترکیب خاصی است از عناصری که هر یک به صورت پراکنده پیش از این در تاریخ را بر جای نمی گذاشتند و این است که در دو فرقه از یک دین در حوزه عملکرد متفاوت و دو شیوه واکنش نسبت به امور دنیوی شرح می شود.

آنجا که وبر می نویسد: «تاریخه کلاسیک اینکده، ریاضت گرایی مذهبی این تأمین آرام بخش را به وجود آورد که توزیع نا برابر اشیاء مادی موهبت خاصی از جانب پروردگار است و تفاوت های طبقاتی همانند درجات رستگاری، مقاصد پنهانی و ناشناخته دارد. کالوین، شخصاً معتقد بود که توده کارگر و پیشه وران نگاه در فقر و تهیدستی به سر برند، بیش تر از خداوند اطاعت می کنند» (وبر، ۱۳۷۱، ص ۱۵۲) نشانی از توجیه دینی یک وضعیت اقتصادی دارد و آنجا که افزایش دستمزدها رابطه ای معکوس با بهره وری و بازدهی کار پیدا می کند، استفاده از اعتقادات دینی در راستای اهداف اقتصادی از ضریب موفقیت بیش تری برخوردار است و این خود از جمله کارکردهای مهم دین است.